

نقد جریان احمد الحسن (۹)

تیزه با عقل

تیزه با علم

تیزه با عالم

(سه گفتار، سه سخن)

سید مهدی مجتهد سیستانی

سرشناسه: مجتهد سیستانی، سیدمهدی، ۱۳۶۵-عنوان و نام پدیدآور: ستیزه با عقل ستیزه با علم ستیزه با عالم (سه گفتار، سه سخن) سیدمهدی مجتهد سیستانی مشخصات نشر: قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۲۱۳ص: ۹۷۸/۵/۲۱×۵/۲۱ س.م. فروست: نقد جریان احمدالحسن: ۹. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۱-۸۸-۴-م. نقد و تفسیر وضعیت فهرست نویسی: فیما موضوع: بصری، احمد، ۱۹۷۰ - م. نقد و تفسیر

موضوع: مهدویت -- مدعیان موضوع: **Claimers** * -- **Mahdism**

موضوع: عقل و ایمان موضوع: **Faith and reason**

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۲۴۵۳۴

اطلاعات و کورده کتابشناسی: فیبا



ستیزه با عقل، ستیزه با علم، ستیزه با عالم
(سه گفتار، سه سخن)

مؤلف: سید مهدی مجتهد سیستانی

ناشر: اسماعیلیان

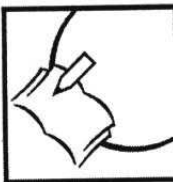
صفحه آرا: روح الله علیزاده

نوبت و سال چاپ: اول ۱۴۰۰

چاپخانه: نینوا

شمارگان: ۱۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۱-۸۸-۴-۴



انتشارات اسماعیلیان

قم-خیابان معلم

میدان روح ا...

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۱۲

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۷	گفتار اول: ستیزه با عقل
۱۹	جایگاه عقل در بیانات دین
۲۳	اقسام عقل: عقل عملی، عقل نظری
۲۳	احکام عقل: حکم بدیهی، حکم نظری
۲۳	حکم عقلی، حکم عقلایی
۲۴	انحراف در عقل
۲۵	تفکر تابع، تفکر متبوع
۲۶	عقل، منبع شناخت، ابزار شناخت
۲۹	موافقت و مخالفت عقل
۳۰	پیوست جایگاه عقل
۳۳	گفتار دوم: ستیزه با علم
۳۹	سخن اول (پیرامون ادبیات عرب)
۳۹	تعریف و تاریخچه ادبیات
۴۴	شاخه های ادبیات عرب (صرف، نحو، لغت، بلاغت)

۴۵.....	ادله رد ادبیات عرب:
۴۶.....	الف) احادیث مخالف ادبیات عرب
۴۶.....	حدیث (۱).....
۴۷.....	پاسخ:
۴۸.....	حدیث (۲).....
۴۹.....	پاسخ:
۴۹.....	حدیث (۳).....
۴۹.....	پاسخ:
۵۰.....	احادیث موافق ادبیات عرب:
۵۰.....	حدیث (۱).....
۵۱.....	حدیث (۲).....
۵۱.....	حدیث (۳).....
۵۲.....	حدیث (۴).....
۵۲.....	حدیث (۵).....
۵۵.....	حدیث (۶).....
۵۶.....	استدلال به ادبیات توسط اهل بیت علیهم السلام:
۵۷.....	واضع ادبیات:
۶۰.....	دروغهای بزرگ!
۶۶.....	تمسک به تصحیف:
۶۷.....	ب) ادعای اشتباه ادبی در قرآن
۶۸.....	ج) عدم وجوب شرعی رعایت ادبیات:
۶۹.....	سخن دوم) پیرامون علم رجال:
۶۹.....	الف) تعریف علم رجال، علم فهرست، و علم درایه:
۷۰.....	ب) نیاز به علم رجال و بررسی سند روایات:
۷۰.....	نکته ۱) وجود افراد دروغگو در میان راویان:

۶ □ ستیزه با عقل، ستیزه با علم، ستیزه با عالم (سه گفتار، سه سخن)

نکته ۲) حرمت نسبت دادن بدون علم، حرمت عمل به ظن:	۷۱
نکته ۳) راه‌های شناخت راویان:	۷۳
نکته ۴) اقسام ثبت حدیث:	۷۷
نکته ۵) حقیقت حدیث:	۷۸
ج) بدعت بودن رجال:	۸۴
نکته ۱) تعریف بدعت:	۸۴
نکته ۲) تاریخچه راوی شناسی در اسلام:	۸۷
سخن مهم شیخ طوسی	۸۹
شیخ طوسی رجالی نبوده!	۹۱
د) موافقت و مخالفت با قرآن	۹۶
بررسی احادیث موافقت	۱۰۲
شان صدور این روایات:	۱۱۶
معیار احادیث متعارض	۱۱۸
احادیث مبین:	۱۱۹
احادیثی که معیار وثاقت را بیان کرده اند:	۱۳۳
احادیث مخالف رجال	۱۳۸
گفتار سوم: ستزه با عالم	۱۴۳
سخن اول) جواز تقلید:	۱۴۶
ادعاهای جریان احمد بصری:	۱۴۶
ادعای اول) تقلید بدعت است	۱۴۶
سخن بسیار مهم شیخ طوسی	۱۴۶
ادعای دوم) هیچ دلیلی بر وجوب تقلید وجود ندارد.	۱۴۸
ادعای سوم) نه آیه و نه روایتی بر تقلید:	۱۵۲
ادعای چهارم) حدیثی بر ضد تقلید. ما بر ضد تقلید روایت داریم:	۱۵۳

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلواته و بركاته على أشرف البرية محمد و أهل بيته المنتجبين لا سيما بقية الله روحی و أرواح ما سواه فداء.

احمد بصري با راه اندازی جریانی موسوم به یمانی، و طرح دوره فترت، به مخاطبان خود چنین القا می کند که اعتقاد و عملی که پس از رخداد غیبت امام زمان علیه السلام تا سال ظهور او یعنی ۲۰۰۲ در جامعه شیعه وجود داشته باطل و منحرف بوده و او از جانب حضرت مهدی علیه السلام ماموریت دارد این غلطها و انحرافات را اصلاح کند تا زمینه ظهور آن امام عزیز فراهم شود! و در این باره به روایتی موسوم به حدیث وصیت تمسک می کند.

وی برای اجرای سناریوی خود، روش ها و منش های زیادی در پیش گرفته که سه گزینه: عقل ستیزی، علم ستیزی و عالم ستیزی در میان آنها جلوه خاصی دارد.

جریان پیرو او، با مغالطه در معنای ثقلین، تنها منبع شناخت را قرآن و روایات می دانند و از دخالت دادن هر گونه حکم عقل در مسائل دین بر حذر داشته، پیروی از آن را دور شدن از ثقلین معرفی می کنند تا شیعه ی اهل بیت علیهم السلام را به سوی خاموش کردن شعله عقل در راه شناخت حقائق و تشخیص صحیح از باطل سوق دهند. هر چند که خود، هر جا گیر کنند حکم عقل را وسط

کشیده و از آن برای اثبات باطل خویش کمک می گیرند، مثل:

الف) اثبات عقلی ظهور برای یمانی:

توضیح آنکه: وقتی ما به آنها اعتراض می کنیم که در روایات، هیچ سخنی از ظهور یمانی به میان نیامده و تنها از خروج او سخن گفته شده است، پس چگونه احمد بصری در عین ادعای یمانی بودن، ادعای ظهور و بیعت هم می کند؟ می گویند: عقل این را می فهمد که هر خروجی نیاز به ظهور و گرفتن بیعت دارد.

این در حالیکه می شود یمانی قبل از قیامش شخصیتی شناخته شده و تاثیرگذار در یمن باشد که به محضر اعلان جنگ علیه سفیانی، لشکری برایش فراهم گردد، لذا نیازی به ظهور و بیعت نداشته باشد.

ب) اثبات عقلی اینکه احمد باید فرزند با واسطه حضرت مهدی علیه السلام و مجهول النسب باشد:

توضیح آنکه: طبق روایت، یکی از خصائص قائم موعود اینست که نسبش ظاهر است: «خَفِيَ الْوِلَادَةُ وَالْمَنْشَأُ غَيْرَ خَفِيَ فِي نَسَبِهِ»^۱، ولی یاران احمد می گویند: قائمی که فرزند امام زمان است باید مجهول النسب باشد، تا وقتی ظهور کرد و گفت من فرزند امام هستم جای پدرش امام زمان مشخص نشده و غیبتش مخدوش نگردد، و برای همین، عقل می گوید قائم باید فرزند با واسطه امام زمان باشد!

این در حالیکه چون در تمام یازده فقره ی حدیث وصیت مورد استناد احمد، «ابن» به معنای فرزند بدون واسطه می باشد، در فقره دوازدهم نیز به

همین معنا به کار رفته است. لذا بر فرض که برای امام زمان علیه السلام فرزندی به نام احمد باشد، او فرزند بی واسطه ایشان خواهد بود نه با واسطه، و شبهه ای که آنها مطرح می کنند تنها در صورتی است که احمد بخواهد قبل از امام زمان ظهور کند که نه تنها هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد که خود حدیث صراحته گفته: وی به هنگام وفات امام علیه السلام به خلافت یا وصایت می رسد؛ و حتی اگر قرار باشد قبل از ظهور هم بیاید استدلالشان باطل است، چون می شود امام زمان علیه السلام بدون معرفی خود ازدواج کنند و قبل از به دنیا آمدن فرزند، از پیش همسر بروند و بدین گونه نه همسر و نه فرزند امام زمان ایشان را شناسند و مکان حضرت هم در دوره غیبت بر ملا نگردد، سپس به هنگام بزرگی آن کودک، برای وی تشریف حاصل نموده و به وی خبر دهند که پدرت من بوده ام، درست مطابق چیزی که خود احمد بصری درباره خویش ادعا می کند؛ و البته در کتاب «نبرد» صورت های دیگری هم بیان شده است.

ج) اثبات عقلی لزوم هلاکت مدعی کذابی که به نص تشخیصی تمسک کرده:

توضیح آنکه: طبق منطق احمد، اگر فرد دروغگویی وصیت حجت خدا را بر خودش منطبق داند و واقعاً هم منطبق باشد باید در جا هلاک گردد، و الا خدا باعث گمراهی کسانی شده که گول او را خورده اند.

و ما می گوئیم: آنها که گول خورده اند یا جاهل قاصرند یا جاهل مقصر و یا - عالم به دروغگو بودن او. جاهل قاصر که معذور است و جاهل مقصر و عالم هم که عذری ندارند پس نیازی به هلاکت آنی نیست.

شاید بگوئید: وقتی وصیت کاملاً بر آن کذاب منطبق بوده، چه تقصیری برای

جاهلی که گول خورده وجود دارد؟ اما عرض می کنیم: وصیت حجت خدا، بر مدعی کذاب انطباق کامل نخواهد داشت، پس تقصیر جاهل بوده که دقت کافی در نشانه ها نکرده و با سهل انگاری ایمان آورده است.

جالب اینکه در مورد احمد بصری، هر دو مساله منتفی است: یعنی نه نصی در مورد احمد فرزند با واسطه امام زمان وجود دارد و نه احمد بصری بر همان نصی که ادعا می کند منطبق است. در نتیجه آنچه عقل می فهمد عدم امکان انطباق وصیت بر مدعی کذاب است نه امکان انطباق بر کذاب و هلاکت آنی او قبل از ادعا.

د) اثبات عقلی لزوم نوشته شدن وصیت:

توضیح آنکه: احمد بصری برای معتبر جلوه دادن حدیث وصیتِ مکتوب و تایید شدنش توسط قرآن، به آیه وصیت در سوره بقره تمسک می کند که به ادعای او درباره وجوب نوشتن وصیت سخن گفته است ولی ما می گوئیم: کجای آن آیه گفته وصیت باید نوشته شود؟ و آنها پاسخ می دهند: این را عقل می فهمد، خوب وصیت نوشتنی است دیگر!

این در حالیست که اگر آیه ی بعد از آیه وصیت را می خواندند به وضوح می دیدند در آن از شنیده شدن وصیت سخن گفته شده نه دیدن: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و کسانی که وصیت را پس از شنیدنش تغییر دهند گناهش بر همانهاست که آن را تغییر می دهند خداوند شنوای داناست^۱؛ که می رساند آنچه آیه وصیت مطرح کرده، وصیت شفاهی بوده و لزومی در کتابت آن نیست.